به دنبال ۳۲۰۰ میلیارد تومانی که نیست

اعضای شورای شهر تهران در بیشتر موضوعات معمولا دیر به تفاهم می‌رسند مگر موضوعاتی حیثیتی مثل انتخاب شهردار باشد. اینها در مورد نحوه اداره جلسه و پیشبرد دستورها نیز اختلاف دارند که دیروز تقریبا اوجش بود وقتی حسابرس منتخب شورا بلاتکلیف مانده بود که بالاخره حرف محسن‌هاشمی و تاکید حجت نظری را که اصرار به خواندن از روی کاغذ داشتند، گوش دهد یا تشرهای ابراهیم امینی را بپذیرد و نقل به مضمون کند.

به گزارش جام‌جم، دستور جلسه روز گذشته شورای شهر تهران بررسی گزارش تفریغ بودجه سال ۹۶ شهرداری پایتخت بود؛ گزارشی که به طرزی کسالت‌آور توسط حسابرس از روی ده‌ها صفحه کاغذ خوانده و موجب شد هم صحن شورا خلوت شود و خمیازه پشت خمیازه بیاید و هم ابراهیم امینی، نایب‌رئیس شورا از یك سو تشر بزند و از سوی دیگر مرتضی الویری در مقام دفاع بلند شود و بگوید یك گزارش بودجه‌ای خشك را مگر می‌شود با لحنی حماسی قرائت کرد!

در پس این اختلاف نظرها و بگومگوهای موقت اما گزارش چند صفحه‌ای و مفصلی قرار داشت که گزارش حسابرس منتخب شورای شهر از هزینه‌ها و درآمدهای شهرداری تهران در سال ۹۶ بود، گزارشی به نام تفریغ بودجه که فلسفه‌اش بررسی هزینه‌ها و درآمدهای شهرداری و یافتن انحراف‌ها در این مسیر است که البته فایده‌ای به حال شهر و پول‌هایی که در گذشته خرج شده ندارد ولی به گفته مجید فراهانی، رئیس کمیته بودجه شورای شهر، چراغ راهی برای آینده و بودجه‌نویسی سال‌های آتی خواهد بود.

با این‌که از گزارش طولانی و وقتگیر حسابرس که سریع نیز خوانده می‌شد، تقریبا کسی سر درنمی‌آورد اما توضیحات مجید فراهانی ایرادات عمده کار را روشن کرد و معلوم شد در سال ۹۵، درآمد مازاد برهزینه شهرداری تهران ۳۲۰۰ میلیارد تومان بوده اما معلوم نیست این پول کجا هزینه شده است. همچنین صورت ریز وام‌های دریافتی شهرداری موجود نیست و اطلاعاتی که در دسترس است، ابهام دارد. آنچه از بررسی کلیات گزارش تفریغ بودجه برآمده به این نکته نیز اشاره دارد که شهرداری تهران در آن برهه موظف بوده در کنار عملکرد ریالی، عملکرد مقداری خود را نیز شفاف بیان کند، اما حالا شورای شهر تهران نمی‌داند در مقابل پول‌هایی که خرج شده در تهران چه میزان کار انجام شده است.

سومین پیشنهاد برای تشکیل سازمان ملی جوانان

معاون جوانان وزارت ورزش از مطرح شدن سه‌باره طرح جدا شدن بخش جوانان از وزراتخانه و تشکیل مجدد سازمان ملی جوانان خبرداد.

به گزارش فارس، محمدجواد تندگویان، درباره آخرین تصمیمات برای تفکیك بخش جوانان از وزارت ورزش و تشکیل دوباره سازمان ملی جوانان گفت: با امضای ۸۰ نماینده مجلس طرح انفکاك بخش جوانان از وزارت ورزش در کمیسیون اجتماعی مطرح شده است.

تندگویان افزود: کمیسیون اجتماعی به عنوان کمیسیون اصلی این طرح و کمیسیون فرهنگی، آموزش، بهداشت و بودجه نیز به عنوان کمیسیون‌های فرعی انتخاب شده‌اند.

معاون امور ساماندهی جوانان وزارت ورزش و جوانان با اعلام این خبر که طرح انفکاك در کمیسیون بودجه آموزش رای آورده و به‌زودی در کمیسیون بهداشت نیز رای مثبت نمایندگان را دریافت خواهد کرد، بیان کرد: تنها کمیسیون مخالف این طرح کمیسیون فرهنگی است.

اتمام حجت با مراکز علمی - کاربردی وابسته

محمدحسین امید، رئیس دانشگاه جامع علمی - کاربردی گفت: ۳۲۰ مرکز علمی - کاربردی وابسته به دستگاه‌های دولتی تا پایان شهریور امسال تعیین تکلیف و در صورت عدم انتقال به بخش غیردولتی منحل می‌شوند. وی افزود: از بین مراکزی که دولتی بوده و باید در این زمینه تصمیم‌گیری می‌کردند کمتر از ۱۰ درصد این مسیر را طی کرده‌اند و بقیه مراکز باید تا پایان شهریور ۹۸ این مسیر را طی کنند. /مهر

آغاز به کار اورژانس اجتماعی مدارس از مهر

مسعود شکوهی، مدیرکل امور تربیتی و مشاوره وزارت آموزش و پرورش درباره استقرار اورژانس اجتماعی و ارائه خدمات فوریت‌های اجتماعی در مدارس گفت: این طرح شبیه همان اورژانس اجتماعی است؛ ولی ویژه و اختصاصی آموزش و پرورش است. بخشنامه مربوط را صادر کردیم و از مهر اجرا می‌شود. وی افزود: این طرح دارای الگو و فرآیندی است که به‌تدریج عملیاتی می‌شود. به عنوان مثال، خطوط تلفنی برای مدیران در نظر گرفته می‌شود. /ایسنا

هوشیاری پلیس و نیروهای ضابط در ماجراهای خیابانی که محور ثابتش رقص و آواز و کشف حجاب است، ضروری است چون به کوچك‌ترین لغزش و اشتباه، حاشیه‌های بزرگ‌تر از متن ساخته می‌شود

عکس: ایرنا

بررسی پشت پرده‌های ۳ حادثه خیابانی اخیر که موج خبری و رسانه‌ای سازمان‌یافته علیه نیروی انتظامی به راه انداخت

فیلم «پارک پلیس» را چه کسی ساخت؟

گروه جامعه

انگار سناریویی نوشته باشند و کسی از قبل چند تکه از یك پازل را کنار هم چیده باشد که ماجراهای آن سناریو دقیق‌تر جلو برود و همزمان پازل نیز تکمیل شود، ماجراهای خیابانی عجیب و غریب در خُمام و رشت و بعد هم در تهران بدجوری به هم شبیه‌اند، انگار که همگی از یك مرکز کنترل شده‌اند یا شخصی واحد سناریوی آنها را نوشته است.

در رشت در تاریکی شب و وسط خیابان‌های پررفت و آمد زنی که حجاب برداشته و جلوی ماشین‌ها را می‌گیرد، روی کاپوت‌ها می‌کوبد و تقاضای آهنگ می‌کند که برایش پخش کنند و او برقصد. داد می‌کشد که نیت کرده برقصد، که اگر نرقصد از اینجا جُم نمی‌خورد، که اگر پلیس بگیرد و ببرَدَش او زن نیست. معرکه این زن دو ساعت طول کشید، مردم در ترافیك ماندند، جو متشنج شد و درحالی که او مست از باده همچنان می‌رقصید با تماس‌های مکرر مردم، پلیس سر رسید، پلیسی که آمد و زن ۳۵ ساله را برد و غائله را تمام کرد. در خمام، اواخر خرداد اما روز بود که زنی محجبه با پسر کوچکش عده‌ای را درحال رقص بازهم وسط خیابان می‌بیند و تذکر می‌دهد که بازهم رقصنده‌ها تذکر را برنمی‌تابند، معرکه بالا می‌گیرد، درگیری می‌شود و بین کلی دست و پا، زن محجبه روی زمین می‌افتد و حتی چادر از سرش می‌کشند به نحوی که مهره‌های کمر و گردنش آسیب می‌بیند. در تهران در پارك پلیس منطقه تهرانپارس، چهار روز پیش پلیس وارد پرونده‌ای می‌شود که مردم گزارش آن را به سامانه ۱۱۰ داده و خواسته‌اند هرچه زودتر بساط رقص و پایکوبی پسران و دخترانی که کشف حجاب کرده و آب‌بازی را چاشنی کار کرده‌اند بگیرد که این کار می‌شود و یکی از دختران با مقنعه‌ای که روی شانه‌اش افتاده البته به زور و خشونت و در پی جیغ‌های ممتدش وارد سمند کلانتری می‌شود. درست است که این ماجرا را می‌توان از زوایای مختلف دید و مثل عده‌ای، پلیس را نقد یا مانند طیف دیگری، آنها را را تطهیر کرد، ولی این سه ماجرا، سه حادثه، سه سناریو یا سه تکه از پازل - اسمشان هرچیزی که هست - نشان می‌دهد از یك سو عده‌ای به‌دنبال آن هستند که هزینه امر به معروف و نهی از منکر را در کشورمان بالا ببرند و از سوی دیگر واکنش پلیس به عنوان پیشانی مقابله با ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری این روزها با هزینه‌های فراوان اجتماعی و فرهنگی و حتی امنیتی همراه شده است.

با این که نصرا... پژمانفر، نماینده مردم مشهد در مجلس در ماجراهای اخیر جانب پلیس را گرفته و گفته نباید خطای یك نیرو یا تشکیلات را پای همه نوشت و کلیت را زیر سوال برد اما همه این اصطکاك‌ها میان بعضی شهروندان و پلیس نشان می‌دهد مشکلی در کار است، شاید از جنس ضعف قانون یا ضعف در اجرای قانون در کشوری که هم رعایت حجاب و عفاف در آن قانون است و هم برخورد اصولی با هنجارشکنان. این که در ماجراهای اینچنینی مردم با مردم درگیر می‌شوند و تنش‌های اجتماعی بالا می‌گیرد نیز مشکلی است برای خودش. ریشه‌اش را که دنبال می‌کنیم یك سرش به آن ور آبی‌ها می‌رسد، به آدم‌هایی با آن پویش چهارشنبه‌های سفید که یك حکومت و کلی نهاد تبلیغی و امنیتی غربی پشت آن است به همین خاطر بعید نیست ماجراهای اخیر کشف حجاب در گیلان و تهران برآمده از القائات آن باشد.

در جبهه آن ور آب البته برای مقابله با حجاب و ترویج هنجارشکنی و تقویت درگیری میان دولت و ملت و ملت و ملت تلاش‌هایی بیش از این پویش و بانی ظاهری‌اش می‌شود چون آنها فهمیده‌اند اگر این موضوع را به مطالبه‌ای عمومی تبدیل کنند در هرج و مرج ناشی از آن می‌توانند بقیه برنامه‌ها را پیاده کنند.

برای همین است که هوشیاری پلیس و نیروهای ضابط در ماجراهای خیابانی که محور ثابتش کشف حجاب است، ضروری است چون به کوچك‌ترین لغزش و اشتباه، حاشیه‌ها بزرگ‌تر از متن ساخته می‌شود و درحالی که هزینه امربه معروف و نهی از منکر و اعمال قانون در کشور بالا می‌رود، کلی تبعات اجتماعی و فرهنگی و امنیتی نیز دامن ایران را می‌گیرد.

حوادث اخیر نشان می‌دهد از یك سو عده‌ای به‌دنبال آن هستند که هزینه امر به معروف و نهی از منکر را در کشورمان بالا ببرند و از سوی دیگر واکنش پلیس به عنوان پیشانی مقابله با ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری این روزها با هزینه‌های فراوان اجتماعی و فرهنگی و حتی امنیتی همراه شده است

پویش چهارشنبه‌های سفید و حرکت‌های مشابه آن در بیرون از مرزها، موضوع حجاب را به‌عنوان حربه‌ای برای تحریك اعتراضات اجتماعی به کار می‌گیرند

خارج از گود مبارزه

امیرعلی مسعودی/ کارشناس رسانه

دیده‌شدن فیلم‌هایی که به سفارش شبکه‌های معاند این روزها در فضای مجازی دست به دست می‌شوند از این حکایت دارد که مدیریت رسانه در کشورمان به فراموشی سپرده شده. به نظر می‌رسد برخی فراموش کرده‌اند که رسانه دیگر در انحصار یك بنگاه یا نهاد نیست و باید از فضای گسترده رسانه‌ای در کشور استفاده کنیم. مثلا می‌شد فیلم حاشیه‌ساز اخیر را به جای نادیده گرفتن از رسانه رسمی کشور منتشر کرد و به نوعی وارد میدان مبارزه رسانه‌ای شد که بسیاری از شبکه‌های معاند در آن جولان می‌دهند. به نظرم این نادیده گرفتن نشأت گرفته از همان نبود مدیریت رسانه‌ای در کشور است.

ضمن این‌که فارغ از ماجرای اخیر و قضاوت درباره آن روابط عمومی ناجا هم آن‌طور که باید عمل نکرد در حالی که می‌توانست با آگاهی از قدرت رسانه کفه ترازو را به سمت خودش سنگین‌تر کند. به همین دلیل باید گفت افزایش سواد رسانه‌ای در جامعه نباید محدود به شهروندان شود و کم نیستند مدیرانی که نیاز به افزایش آگاهی در این زمینه دارند، تا به‌راحتی در موضوعاتی که احساسات جامعه را جریحه‌دار می‌کند بتوانند واقعیت حادثه را انعکاس دهند نه این‌که خود نیز تماشاگر دستپخت رسانه‌هایی باشند که هدفی جز تخریب ندارند.

نقشه‌های سیاه یك پویش سفید

امیرعباس عبداللهی/ جامعه‌شناس

با این که آگاهیم پویش چهارشنبه‌های سفید و بانیان آن در کنار صدها شبکه و کانال معاند عامدانه قصد دارند فرهنگ حجاب و عفاف در کشورمان را سست کنند و با ایجاد شك و تردید در جامعه زمینه هرج و مرج را فراهم کنند اما معتقدیم که چندان راهی از پیش نخواهند برد. علت این است که عفاف و حجاب در ایران، تاریخچه‌ای طولانی دارد و از دوران باستان تا عهد معاصر همواره مورد توجه مردم بوده و جزیی از فرهنگ ایرانی است.

از دیگر سو قانون به کشف حجاب به عنوان ناهنجاری نگاه می‌کند و برای مقابله با هرگونه هنجارشکنی در این حوزه سازو کارهایی را تعریف کرده است چون قانونگذار به این باور رسیده است که یکی از تبعات ناشی از کشف حجاب و علنی شدن رفتارهای هنجارشکنانه، ضربه به بنیان خانواده و ایجاد ناهنجاری‌ها و فحشاست. با علم به این موضوع، پویش چهارشنبه‌های سفید و حرکت‌های مشابه آن در بیرون از مرزها، موضوع حجاب را به‌عنوان حربه‌ای برای تحریك اعتراضات اجتماعی و مخالفت با حاکمیت به کار می‌گیرند تا با براندازی و برهم زدن تعادل اجتماعی به اهداف خود برسند.

البته تمدن و قانون ایران خواهان حجاب زنان است و برهم زدن تعادل اجتماعی تنها آبشخور تفکر و سیاست غربی است. قانون برای هر فردی حریمی قرار داده و فقط با اجرای قانون است که امنیت ملی ایجاد می‌شود. در ایران همه از حقوق شهروندی حرف می‌زنند، اما باید پرسید که آیا مردم از حقوق شهروندی چیزی می‌دانند؟ در کلاس، در کتب دانشگاهی و یا در مدرسه این حقوق را آموزش دیده‌اند؟ جالب است که پویش چهارشنبه‌های سفید با هدف قراردادن همین حقوق شهروندی و ضربه زدن به قوانین کشور سعی دارد امنیت روانی و اجتماعی جامعه را مختل کند.

جای خالی دوربین روی لباس پلیس

حسن تردست/ حقوقدان و قاضی بازنشسته

رفتار خشن پلیس اگر صحت داشته باشد قابل توجیه نیست و در این بین باید تاکید کرد از منظر سیاسی باید به چنین اتفاق‌هایی بیشتر پرداخت، چراکه این موارد خوراکی است برای شبکه‌هایی که علیه کشور تبلیغات می‌کنند. نباید فراموش کرد که این شبکه‌ها برای تشویش افکار عمومی چنین درگیری‌هایی را آموزش و در جامعه اشاعه می‌دهند.

از نظر حقوقی نیز می‌توان گفت در حال حاضر در کشورمان حجاب آن طور که در قانون تعریف شده از سوی برخی رعایت نمی‌شود و حکومت نیز با آنها مدارا می‌کند حتی برخی بدحجابی‌ها (واژه‌ای که مصطلح شده) نزدیك به بی‌حجابی مطلق است. بنابراین اگر با عینك حقوقی و فرهنگی به ماجرا نگاه کنیم باید تاکید کنیم این‌که برخی می‌گویند حجاب اجباری، درست نیست؛ چون حجاب آن طور که در قانون آمده رعایت نمی‌شود.

مساله دیگر این‌که در هیچ جای دنیا شهروندان نمی‌توانند به مامور قانون بی‌احترامی و از فرمان آنها سرپیچی کنند این درحالی است که اگر اعتقادی به قانون ندارند به عنوان شهروند باید از آن پیروی کنند.

بنابراین اگر عده‌ای به عمد قانون را به تمسخر بگیرند و تظاهر به قانون شکنی کنند تا بتوانند برای شبکه‌های بیگانه خوراك تهیه کنند جرم دیگری است که در این بین اتفاق می‌افتد. البته باید تاکید کرد ماموران نیز باید براساس قانون با شهروندان برخورد کنند و اگر فراتر از قانون و موازین عمل کنند باید براساس قانون مانند مجرم با آنها برخورد شود. برای کاهش چنین تنش‌هایی در جامعه نیز می‌توان راهکارهایی ارائه کرد. برای نمونه باید لباس تمام ماموران پلیس که در بحث آسیب‌های اجتماعی فعال هستند به دوربین مجهز شود تا بتوان از دید ماموران پلیس نیز نحوه رفتار شهروندان با ماموران را ضبط کرد.

زمینه‌های گسست اجتماعی

غفور شیخی/ جامعه‌شناس

در جامعه‌شناسی، مفهومی به نام شکاف یا گپ مطرح است که زاییده از دست رفتن اعتماد بین مردم و نهادهای رسمی است. این اتفاق زمانی شتاب می‌گیرد که تغییرات در بین مردم بیشتر از طبقه مدیران می‌شود، چراکه مردم به واسطه ظهور شبکه‌های اجتماعی تحت تاثیر اتفاق‌های بسیاری قرار می‌گیرند. در مواجهه با اتفاقی مانند برخورد پلیس با دختری که کشف حجاب کرده بود نگاه بدنه مدیریتی کشور اعمال قانون یا وظیفه به امر است، اما از سوی برخی شهروندان این رفتار مدیریتی می‌تواند به نوعی یك عمل غیرانسانی و غیرحکیمانه تعبیر شود، چراکه برخی به ایجاد این شکاف دامن زده‌اند.

این گسست اجتماعی به نوعی برای مخالفان کشور حکم آب گل‌آلود را دارد به همین دلیل آنها با راه‌اندازی برخی پویش‌ها و انتشار فیلم برخورد مردم با افرادی که امر به معروف می‌کنند هیزم آتش ایجاد شده را بیشتر می‌کنند. البته باید یادآوری کرد مدیریت نشدن این مساله راه را برای فعالیت این فرصت‌طلبان فراهم کرده است و چنین اتفاقاتی محدود به این چند سال نیست و در چند سال گذشته در جامعه دیده می‌شود. از واکنش دولت به ماجراهایی مانند سیل و زلزله بگیرید تا مواردی که اخیرا در رابطه با موضوع حجاب پیش آمده است به همین دلیل باید گفت شکاف بین مردم و بدنه مدیریتی در حال بیشتر شدن است.

برخی عملکردهای نامناسب درخصوص مدیریت مسائلی مانند کشف حجاب یا سگ‌گردانی به کج‌فهمی بین مردم و مجریان قانون دامن می‌زند. هر عمل اشتباهی در مدیریت این مسائل موجب افزایش بی‌اعتمادی میان مردم و بدتر این‌که سبب جبهه‌گیری افراد و تنش میان خود افراد جامعه می‌شود. آسیب این‌گونه رفتارها خیلی بیشتر از دست به دست شدن یك فیلم چند دقیقه‌ای میان افراد جامعه است.

فقط قانون، حتی در برخورد با متخلف

فاطمه ذوالقدر/ عضو کمیسیون فرهنگی مجلس

ما سال‌هاست که درباره روش‌های برخورد با مردم و نحوه ملزم کردن آنها به رعایت هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های عمومی تذکر می‌دهیم، اما باید توجه داشت که بخش بزرگی از این مساله به بطن این موضوع و در واقع فرهنگسازی برمی‌گردد، فرهنگسازی‌ای که باید مبتنی برتوجه به اسلام و ازطریق خانواده انجام شود.

درباره این که برخوردهای پلیسی با موضوعات اجتماعی تا چه اندازه موثر است، اختلاف نظرهای مختلفی وجود دارد اما آنچه که درباره‌اش اتفاق نظر وجود دارد این است که نیروی انتظامی باید سعه صدر داشته باشد و آموزش‌های مناسب برای برخورد مناسب با افرادی که قانون را زیر پا می‌گذارند، دریافت کند. متأسفانه شرایط به‌گونه‌ای است که با کوچك‌ترین اتفاقی که درکشور روی می‌دهد، رسانه‌های غربی و معاند آن را دستمایه‌ای برای سوءاستفاده قرار می‌دهند و حقایق را وارونه و دستکاری شده نشان می‌دهند.

ما در قوه مقننه توجه به قانون را مدنظر قرار داده‌ایم به طوری که تاکید داریم حتی برخورد با متخلفان نیز باید در حیطه قانونی انجام شود. همچنین به‌عنوان کمیسیون فرهنگی تاکید داریم برقراری تعامل و همدلی میان جامعه و نیروی انتظامی فقط با فرهنگسازی وآموزش ایجاد می‌شود.

هجمه‌ای علیه حرمت پلیس

امیرحسین ثابتی/ کارشناس مسائل بین‌الملل و امنیت ملی

عملیات ضد رسانه‌ای غرب که در تلاش است چهره ایران را مخدوش کند، چند وقتی است شروع شده است. یکی از این عملیات ضد رسانه‌ای بحث پویش چهارشنبه‌های سفید است. پیامدهای این تبلیغ وعملیات به گونه‌ای است که حالا مردم دست به قانون‌شکنی می‌زنند و شاهدیم به جای قدردانی از مأمور پلیسی که قانون را اجرا می‌کند و با متخلف برخورد کرده است، او را مورد هجمه قرار می‌دهند. در هیچ کجای جهان با مأمور انتظامی که در برابر فردی که موادمخدر یا الکل مصرف کرده و فحاشی می‌کند، ایستاده، به این شکل برخورد نمی‌کنند. تبلیغات و هجمه‌های رسانه‌ای که علیه ایران ایجاد شده، حرمت نیروهای انتظامی را شکسته و درنهایت اقتدار ملی ایران را هدف قرار داده است. امروز با هزار و یك فشار روانی، تبلیغاتی و رسانه‌ای غربی‌ها، رفتار ملی ایرانیان تغییر کرده و امنیت اجتماعی نشانه رفته است.